

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا

سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۱، پیاپی ۹۶

تاریخ نگاری منقش و مصور در عهد ساسانیان

(پژوهشی در ماهیت و شناخت کتاب الصور یا صورملوک بنی ساسان)

روح اله بهرامی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۶/۱۶

چکیده

باز شناسی بینش و اندیشه ی تاریخنگاری ایرانیان از خلال منابع تاریخ نگاری اسلامی در قرون نخستین نشان می دهد که تاریخنگاری در ایران باستان از جایگاه برجسته ای برخوردار بوده و به ابتکارات و نوآوریهای دست یافته که در نوع خود در آن زمان بی نظیر بوده است . یکی از این گونه اندیشه ها تلفیق تفکر تاریخنگاری با هنر نگارگری و نقاشی در خلق آثار تاریخی مصور و منقش بوده است که طی فرآیندی طولانی در ایران باستان در عهد ساسانیان به اوج و کمال رسیده است. یکی از مهمترین نمونه های آن تاریخ نگار گرایانه ی « کتاب الصور » یا تاریخ « صور ملوک بنی ساسان » بوده است. در این جستار تلاش می شود ضمن بررسی متون و منابع اسلامی به باز شناسی مضامین ، هویت و سرشت چنین گونه ای از تاریخنگاری تصویری و کشف ابعاد و زوایا و اهمیت آن را در فهم تاریخ آل ساسان تحلیل نموده و با رمزگشایی از

dr.bahrami2009@gmail.com

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه رازی کرمانشاه

ویژگیهای منحصر به فرد آن جایگاه این نوع از بینش تاریخ‌نگاری را در تفکر تاریخ‌نگاری و نگارگری ایران در عهد ساسانیان را روشن نماید.

واژگان کلیدی: ایران باستان، ساسانیان، تاریخ‌نگاری، نگارگری، الصور، تاریخ‌نگاری اسلامی

مقدمه

جستجو در منابع و متون تاریخ‌نگاری ایرانی بعد از اسلام و تاریخ‌نگاران مسلمان همواره در مورد بررسی تاریخ ایران باستان راهگشاه بوده است، بسیاری از متون و ادبیات تاریخی ایران قبل از اسلام یا به زبان عربی ترجمه شدند یا در هیأت منابع و متونی که مورخان مسلمان نگاهشتند در آمدند (محمدی ملایری، ۱۳۷۲: ۱۷۷-۱۵۱؛ سزگین، ۱۳۸۰: ۶۶۹/۱). سرنوشت متون خدای‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، رسوم، گاهنامه‌ها، و که‌نامه‌ها و... همه حکایت از این آمیختگی و امتزاج دارد. فهم متون تاریخ ایران قبل از اسلام البته با چنین آمیختگی و انسجامی، چنان بوده است که دیدگاهها و نظرات متفاوتی در باب تاریخ و تاریخ‌نگاری در ایران باستان پدید آورده است بطوری که از یک سو برخی اندیشه تاریخ‌نگاری را در ایران باستان بی‌اهمیت قلمداد نموده‌اند (لمبتون و... ۱۳۶۱: ۱۳) برخی نیز بر این امر تأکید دارند که نمونه‌هایی از تاریخ‌شاهانی و سنت‌های تاریخ شاهنامه‌ای تأثیر بسیار حساسی بر تفکر تاریخ‌نگاری اسلامی بر جای نهاده است (گیب و... ۱۳۶۱: ۱۱-۱۲). برخی نیز با رد برداشت‌های مبنی بر فقدان تفکر تاریخ‌نگاری در ایران باستان به وجود اندیشه تاریخ‌نگاری و حتی به پیوستگی آن با فرهنگ و ادبیات ایران در عصر اسلامی تأکید داشته‌اند، و معتقدند که میراث فکری و فرهنگی ایران از جمله اندیشه تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری آن در قرون اولیه اسلامی استمرار داشته و از آن تحت عنوان عصر انتقال یاد نموده‌اند و به بازیابی گوشه‌ای از این حضور تاریخی در دل اندیشه و میراث فرهنگی ایران در عصر اسلامی پرداخته‌اند (محمد ملایری، ۱۳۷۴: ۱۷۷-۱۵۱). علی‌رغم این تنوع و تناقض در امر حقیقت تاریخ‌نگاری و تفکر تاریخ‌نویسی در ایران باستان، بررسی متون و منابع عصر اسلامی از

واقعیت نیرومند حضور این اندیشه و تداوم سنت‌های کهن باستانی ایران در عرصه تفکر تاریخ‌نگاری اسلامی حکایت می‌کند. بازکاوی و تحلیل دقیق برخی از عناصر و مستندات تاریخ‌نگارانه در عهد اسلامی و تحلیل ابعاد و زوایای این مدارک و اسناد نه تنها بر این تداوم صحه می‌گذارد بلکه جلوه‌هایی از تفکر تاریخ‌نگاری را باز می‌نمایاند که در نوع خود بی‌نظیر تلقی می‌شود. یکی از این جنبه‌های فکری در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری در ایران باستان تفکر تاریخ‌نگارانه‌ی مبتنی بر آگاهی تاریخی و ثبت حوادث و رویدادهای بزرگ شاهانی و تاریخی در پیوند با هنر مصور و نگارگری است که در نهایی‌ترین شکل تکاملی خویش به صورت نگاری و تاریخ‌تصویری منجر گردیده است.

برخلاف برخی مدعیات غیر نادرست، تاریخ‌نویسی به مفهوم دانش ثبت حوادث و وقایع مهم از کهن‌ترین زمان‌ها در تفکر تاریخی انسان ایرانی جایگاه مهمی داشته است، درست است که بخاطر غلبه نظام شاهانی و تکوین و رویش آن در دربار شاهان و با حضور دیران مخصوص شکل گرفته است (محمد ملایری ۱۳۷۲: ۱۷۷-۱۴۹) و در حول محور و نظام شاهانی در مضامین و موضوعات مختلفی چون خدای‌نامه آیین‌نامه، رسوم، تاج‌نامه در دربار شاهان، دبیرخانه‌های شاهانی، و دستورات و فرامین شاهی ظهور کرده اما شاکله و ستون فقرات تاریخ‌نگاری به مفهوم درک زمان و تاریخ و توقیت حوادث در یک حوزه عمومی‌تر در جهان ایرانی به تأسیس یک نظام تاریخی منظم در تقویم و گاه‌شناسی منجر شده است که از جمله دقیق‌ترین نظام‌های تقویمی جهان محسوب می‌شود (نبی، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۰۳). لذا فهم زمان و تاریخ و زمانبندی حوادث و پدیده‌ها و سنجش آن‌ها بر معیارهای زمانسنجی در حافظه عمومی منظم عنصر ایرانی در ظهور پدیده تقویم و گاه‌شناسی، حتی در ادوار اساطیری در باب آفرینش، زمان، انسان، ظهور نموده است (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۰۳-۹۳). سپس این اندیشه در اشکال مختلفی تکامل پیدا نموده تا به خلق روش‌های مختلفی از ثبت و ضبط حوادث تاریخی در گذر عنصر زمان منتهی گردید. یکی از این اشکال توجه و رویکرد انسان ایرانی به تفکر تاریخ‌نگاری مصور و منقوش بوده است که فرآیند خاصی را در روند تکاملی خویش طی نموده است.

الف - پیشینه نظم نگارگری و صورت‌نگاری تاریخی در ایران باستان:

نگارگری، نقاشی و صورت‌پردازی ریشه در اعماق هزاره‌های تاریخ سرزمین ایران دارد، اقوام کهن پیشا آریایی از ادوار کهن ذوق نگارگرانه و هنرمندانه خویش را در شکل ظروف و دست ساخته‌های منقش گلی، سنگی و فلزی و در معماریهای، کاخ‌ها، و در دل کوهها و در نهایت در کتب و منابع ادبی، فرهنگی دینی و تاریخی به نمایش گذاشته‌اند نمود آن غارهای دوشه و میرملاس در هزاره‌های پیش از میلاد در لرستان و یا آثار منقوش سفالی در سیلک کاشان و شهر سوخته سیستان است (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۱/۲۹۱-۲۷۷؛ شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۴). با ورود آریائی‌ها به این سرزمین این سنت پیشا آریایی تکامل یافت و در مراسم مذهبی، تزئین آرامگاهها کتیبه‌ها، سفالینه‌ها، سینی‌ها و بشقاب‌های فلزی و مفرغی، طلائی و در شکوه دربارها، کاخ‌های با عظمت هخامنشیان و بعداً ساسانیان متجلی شد، و در نهایت بشکل مصورسازی کتب و منابع مکتوب درآمد که با تذهیب، نگارگری مصور سازی و تزئین گردیده است. با این همه، هنر نگارگری و مصورسازی هنر برگزیده و اشرافی و در خدمت گزیده گان و طبقه اجتماعی فرادست ایران باستان بود و اشرافیت مذهبی و سیاسی در کاخ‌ها و دربارها، موسسات و نهادهای مذهبی از آن بهره می‌برده‌اند و حاکمیت‌های شاهنشاهی ایران باستان آن را در انحصار خویش قرار داده بودند، لذا مهمترین محل‌ها برای تجلی ذوق و هنر عنصر ایرانی به ناچار دیوار بناهای سلطنتی و کاخ‌های مسکونی شاهان یا یادگارهای شاهانه بوده است و شاه محور اساسی تفکر تصویرگری بوده است (کمره‌ای، بی تا، ص ۱۴).

در عهد ساسانیان این هنر مسیرهای نوینی یافت و این مصورسازی و نگارگری‌ها در ظرف‌ها، پرده‌های نقاشی، پارچه‌بافی، ظروف پذیرایی و بر روی قطعات کاشی‌ها و در نهایی ترین شکل خود در نقوش ظریف تری در کتب تجلی پیدا کرد و اوستا نخستین کتابی بوده است که بصورت مصوری تزئین شده است (نصری اشرفی، ۱۳۸۸: ۲/۳۸۹). سپس این روش بصورت سبکی ممتاز در حوزه تزئین کتب و مصورسازی منابع ادبی، مذهبی و تاریخی درآمد. در حوزه مذهبی نو آموزان مانوی بر اساس تعالیم پیامبر صورنگر خویش به آموزش اصول مذهبی و اخلاقی دین مانی از طریق هنر نقاشی پرداختند (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۵). البته تکامل این شکل از هنر و

تاریخ‌نگاری مصور با توسعه قدرت امپراطوریه‌های بزرگ ایران باستان و سازمان یافتن دستگاه مذهبی از دسترس عام مردم بدور بوده است و تنها عوامل و عناصر قدرت فائقه شاه و رهبران مذهبی از آن بهره می‌برده‌اند و در انحصار اهداف و مقاصد آنان بوده است، البته تصاویر و نگاره‌های مورد نظر در دل سنگ‌ها و نقوش برجسته به عنوان یک اعلان مصور در معرض دیدگاه عموم قرار داشته تا ناظر عظمت و شکوه نظام شاهانی باشند و لذا نخستین تاریخ‌نگاری‌های مصور همین کتیبه‌ها، نقش‌های برجسته، دخمه‌نشته‌ها بوده است که با آگاهی از اثرگذاری اجتماعی و تاریخی آنان شکل گرفته و عمدتاً بر محور پادشاه به عنوان اساسی‌ترین عنصر در مرکز روایت و نگارش تاریخ استوار بوده است.

ب- تکوین تاریخ‌نگار گرایانه و ادبیات تصویری :

روش ثبت وقایع تاریخی از طریق صور و اشکال نوعی از تفکر ماندگار و مداوم در تاریخ‌نگاری نگارانه و روشی رایج در امپراطوری‌های ایران باستان بوده است. تمایل امپراطوری بزرگ برای نمایش عظمت و قدرت آن‌چنان در بکارگیری هنر صورت تراشی و نگارگری با علائق ثبت وقایع آمیخته است چنانکه هنر ایرانی پیوندی ناگسستنی با حوادث عظیم تاریخی یافته است، شاهان و خسروان از طریق نگارش نسبت‌نامه‌های شاهانی، و ترسیم صورت‌های شاهانه به ثبت اقدامات خسروانه، فتوحات و یادگاری‌های خویش پرداخته‌اند آن‌چنانکه در عهد داریوش بزرگ شکوه چنین اندیشه‌ای در کتیبه تاریخی مصور بیستون با زبانهای چندگانه و نقوش زیبای برجسته به نمایش گذاشته شد. این صورت‌نگاری‌ها را می‌توان نوعی نگارگری با آگاهی و اندیشه تاریخ‌نگارانه بشمار آورد که هدف نهایی از شکل‌گیری آن، ثبت تاریخی حوادث و جاودانه سازی اعمال خسروان و شاهان بوده این هنر نگار گرایانه در اشکال مختلفی در ساختار معمارهای هنری در قصرهای هخامنشی، کتیبه‌ها، پلکانها، سنگ‌نوشته‌ها، الواح دیرخانه هخامنشی تجلی ویژه‌ای پیدا کرد (امستد، ۱۳۷۲: ۲۵۰-۲۳۹) و بعد در عهد ساسانیان به عنوان نمایندگان تدام سنت‌های هخامنشی به شکلی ظریف‌تر به اوج تکامل خویش رسید و در شیوه و اشکال نگارگری و صورنگاری بر روی پوست و کاغذ و منابع مکتوب دینی، ادبی و تاریخی در آمد و در تفکر تاریخ‌نگاری مصور و منقش با ترسیم چهره و صورت خسروان و توصیف مشخصات آنان با ثبت

و ضبط حوادث روزگار و اقدامات تاریخی آنان همراه بوده. ظهور کتاب الصور یا کتاب تاریخی صور ملوک بنی ساسان تجلی و تکامل چنین رویکردی در ترکیب وقایع نگاری تاریخی و صورت نگاری بوده است. در این مختصر تلاش می‌شود که چگونگی ماهیت و تکوین این نوع از اندیشه تاریخ‌نگارانه و تصویری در امپراطوری ساسانی را براساس برخی از مستندات در منابع اصیل تاریخ‌نگاری در ادوار اسلامی مورد بازکاوی قرار داده و اهمیت آن را در فهم تاریخ ساسانیان بازگو نمائیم. ورود نقاشی و نگارگری به ادبیات مانوی و تکامل هنر و صورت‌نگاری در مکتب معنوی و دینی مانی از جمله مهمترین مراحل این تحول در هنر صورت‌نگاری در ایران پیش از اسلام محسوب می‌شود. بنا بر این حوزه دین، ادبیات و تاریخ سه حوزه مهمی هستند که با هنر صورت‌گری و نگارگری در ایران پیش از اسلام پیوند یافته‌اند و البته هر سه حوزه در فرآیند فهم تلفیق هنر و تاریخ تصویری که نوع تکامل یافته آن در کتاب «الصور» یا «صور ملوک بنی ساسان» تجلی یافته است موثر بوده‌اند.

جنبش دینی مانویان و ظهور مانی تحولی شگرف در صورت‌نگاری و نگارگری بشمار می‌رفته است. مانویان طبق آموزه‌های مانی از بن مایه‌های زیباشناسی در هنر نقاشی و صورت‌نگاری و موسیقی به عنوان منابع الهام بخش معنوی در تعالیم مانویان بهره می‌گرفته‌اند (ویدن‌گرن، ۱۳۷۶: ۱۵۴-۱۴۲) ارژنگ و یا ارتنگ مانی آن چنانکه مشهور است صحیفه‌ی مصور مانویان بوده (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۵: ۲۶۸) و «فرسپ‌ها» در مذهب مانی پرده‌های نقاشی یا الواح مصور مانویان بوده، در حفاریهایی تورفان نقوش مانوی نمونه‌های اعجاب‌انگیزی در هنر صورت‌نگاری مانویان به نمایش نهاده است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۵: ۲۷۶؛ کرسستین سن، ۱۳۶۸: ۲۹۳ - ۲۸۸؛ ناطق، ۱۳۶۹: ۲۸۷-۳۰۰). مانی خود به عنوان نقاش چیره دست و صورت‌نگر شهرتی افسانه‌ای پیدا نموده است. فردوسی او را نقاش چربدست و بی‌همتای روی زمین معرفی نموده است (فردوسی، ۱۳۶۸: ۲۳۷).

بیامد یکی مرگویا زچین

یکی پرمنش مرد مانی بنام

بدان چربدستی رسیده بکام

بصورت‌نگری گفت پیغمبرام زدیـن آوران جهان برترام

بدین صورت هنر صورت‌نگری در ایران نه صرفاً بخاطر جنبه‌های زیبای شناسی و هنری بلکه راهی بود برای گشودن ارتباط به ساحت دینی و معنوی در پیام مانی و جماعت مانویان بود، میناتورهای مانوی به عنوان ابزاری مهم در ایجاد الهام برای نشان دادن مجالس معنوی و مذهبی و پیام مانویت در آمدند. (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۲۹۰-۲۹۳). این امر برای ارتباط میان حوادث تاریخی با صورت‌نگری و نقاشی در عصر ساسانیان راهی را گشوده است که بصورت سنتی برای ثبت آگاهی‌های تاریخی، انتقال احساسات زیباشناسی و پیام‌های دینی درآمده است.

بدین صورت سنت‌های صورت‌نگاری و نگارگری در ایران باستان نه تنها استمرار پیدا کردند بلکه آن‌چنان رشد یافتند که از نگارگری کتیبه‌ها و تصاویر منقوش از حوادث سیاسی - نظامی و حیطة نقوش در کاخ‌های خسروانی فراتر رفته و درحوزه‌های متعددی وارد شد؛ بویژه در نگارگری و نقر منقوش و مصور سمبل‌ها و نشانها در فرامین پادشاهان ساسانی و نقش خواتم و انگشتری‌ها به شیوه‌ای بسیار ظریف تکامل یافته؛ مسعودی و گردیزی در آثار خود به جلوه‌های زیبایی از چیردستی و هنرنمایی ایرانیان در نشانهای رسمی، مهرها و نقوش انگشتری‌های خسرو انوشیروان با نقوش و صور چهارگانه (مسعودی، ۱۹۸۵: ۲۷۷/۱) گفته شده که خسرو انوشروان در زمان خویش شیوه‌ی نوینی در مملکت داری و تقسیمات سیاسی پدید آورد و در کنار آن تشریفاتی را مرسوم ساخته است که در آن از هنر مصورسازی در نهایت زیبایی بهره گرفته او خلعت‌ها، و احکام شاهانه را با سمبل‌ها، نشانها و تصاویری از نقوش حیوانات، مناطق جغرافیایی و نشانها و سایر صورتهای رنگین و نوشتارهای خاص هر منطقه پدید آورده است که در جغرافیای تاریخی و سیاسی ایران باستان بسیار تأثیر گذار بوده است چنانکه اسامی جغرافیایی نظیر: شیرانشاه، فیلان‌شاه، آلانشاه، سریرشاه و... از این امر پدیدآمد (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۵۶-۵۵) مورخان به خاتم‌های نه‌گانه خسرو پرویز با تنوع معنایی و مفهومی آن که هر کدام سمبل فرامینی ویژه و نشان جغرافیای سیاسی منطقه‌ای خاص بوده اند اشاره داشته‌اند، نخستین این خاتم‌ها، خاتمی با «نقشه صورت‌الملک و حوله مکتوب صفته‌الملک» یعنی خاتمی با نقش صورت

خسرو پرویز و توصیف صفات ایشان. بدون تردید هر کدام از این خاتم‌ها و سمبل‌ها با نقوش و نوشته‌های و مفاهیم تاریخی ارزشمند برای درک تدابیر و اصول مکاتبات و فرمانهای حکومتی ساسانیان بشمار می‌رود (مسعودی، ۱۹۸۵، ۲۸۹/۱-۲۸۸؛ گردیزی، ۱۳۶۲: ۹۹-۹۶). این مکتب ظریف بعد در تدوین کتب دینی، تاریخی و جغرافیایی با صورت‌نگاریهای مذهبی و شاهانی بکار گرفته شد. بنابراین نقاشی و مصورسازی منابع و متون مذهبی و تاریخی و ترسیم صورت‌های طبیعی و جغرافیایی از یکسو و نگارگری وحوش و حیوانات در منابع مکتوب و کتب قصص و داستان‌های آموزنده با صور حیوانی از سوی دیگر در حوزه‌های ادبی، فرهنگی و کتابت متون پهلوی ساسانی وارد گردید. این مکتب حتی در ادوار نخست اسلامی به عنوان سنتی ایرانی بوسیله کاتبان و مترجمان متون ادبی، تاریخی و جغرافیایی استمرار داشته است. ابن مقفع به این امر اشاره دارد و در مقدمه ترجمه کليلة و دمنه از پهلوی ساسانی به عربی اهمیت و فلسفه و استمرار مکتب صورت‌گری و نگارگری متون این گونه متون را بیان داشته و نشان می‌دهد که صورت‌گری و رنگ‌آمیزی‌های خاص با «اصباغ و الوان» متنوع به منظور ایجاد علاقه و نزهت خاطر خوانندگان چنین متونی به حوزه‌ها و مراحل بالاتری از زیبایی‌شناسی و خلاقیت در متون و نوشتارهای عهد ساسانی ارتقاء یافته است (ابن مقفع، ۱۴۰۹: ۵۴). استعمال رنگ‌های زیبا و منحصر به فرد در این منابع مکتوب و نیز در نقاشی‌های ملون در کاخهای ساسانیان و پارچه‌های رنگین و منقوش و فرش‌های زیبا آن چنان جذابیت و زیبایی خاصی داشته که تا قرن‌ها بعد رنگ و صورت‌های منقوش کاخهای ساسانیان در مدائن تجلی و درخشندگی ویژه‌ای برای بینندگان آن ایجاد می‌نموده؛ چنانکه بحتری شاعر توانسته است در «قصیده‌ی سینه» خود در توصیف مدائن و صحنه نبرد انطاکیه خسرو و انوشروان، ترکیب رنگ لباسهای خسرو و اسب او را بطرز زیبایی توصیف کند (محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۱۵۲-۱۵۱).

ج- ماهیت و سرنوشت کتاب الصور یا صورت ملوک بنی ساسان:

۱- سرگذشت «کتاب الصور» پس از سقوط ساسانیان و ترجمه آن به زبان عربی بدستور هشام بن عبدالملک در سال ۱۱۳ق:

نخستین کس از مورخان دوره اسلامی که گزارشی در باره «کتاب الصور» ارائه می دهد ابوالحسن علی ابن حسین مسعودی است. آگاهی ها و دانش مسعودی از کتاب صور ارزش بسیاری در شناخت ماهیت و نحوه نگارش کتاب دارد و شیوه ی نگارش و مصور سازی کتاب و تاریخ نقل و ترجمه آن از پهلوی ساسانی به زبان عربی، محتوی و اهمیت کتاب نسبت به سایر کتب تاریخی و نحوه صورت سازی و فلسفه تنظیم این تاریخ نگاری مصور را در دربار شاهان ساسانی مشخص می سازد. او بیان می کند که نگارش و مصور سازی کتاب امری رایج در دربار پادشاهان ساسانی بوده است، نکته مذکور از این حقیقت پرده می دارد که از روزگاران نخستین تأسیس دولت ساسانی چنین رویه ای در دربار متداول بوده که چون پادشاهی از ملوک بنی ساسان فوت می کرده، برای حفظ خصوصیات و توصیف شمایل و پوشش وی در زمان مرگ، تصویر او را ترسیم و به خزانه می سپرده اند تا آیندگان از وصف مردگان بی خبر نباشند. با این معنی مسعودی از سنت نگارگری تاریخی مستمری خبر می دهد که در دربار پادشاهان ساسانی متداول بوده و در عین حال بیان می کند که نویسندگان و دبیران، مشخصات، اعمال و رفتار، ابنیه و عمارات و سیاست ها و تدابیر و اخبار و علوم پادشاهان را در این کتاب مصور ثبت و ضبط می نموده اند تا برای آیندگان به یادگار بماند (المسعودی، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۷). بدین صورت نوعی تاریخ نگاری تصویری در دربار شاهان و ساسانی شکل گرفته که از همان آغاز تأسیس دولت ساسانی شرح حال، صورت و اخبار آنان را ترسیم و تنظیم می نموده و این روش همچنان تا مرگ آخرین پادشاه ساسانی روشی رایج در دربار آل ساسان بوده است. بر اساس گفته مسعودی و حمزه اصفهانی و مولف مجهول الهویه ی مجمل التواریخ و القصص، صورت آخرین فرمانروای ساسانی که در هنگام حکومت عثمان در مرزهای شرقی ایران گشته شده بوسیله همین افراد ترسیم و به کتاب الصور اضافه شده است، این امر نشان می دهد که هنرمندان و وروایت نگاران تاریخی تا آن زمان هنوز به کار خود ادامه می داده اند و چنین کتابی با آگاهی های تاریخی هنوز در خزائن

و مراکز امن که از دسترس عامه بدور بوده قرار داشته است. مسعودی این کتاب را فقط در نزد یکی از اشراف ایرانی یافته است و آن هم در شهر اصطخر یعنی مرکز سیاسی-معنوی دولت ساسانی، به هر حال کتاب مذکور در عهد بنی امیه و در روزگار هشام بن عبدالملک مورد توجه قرار می‌گیرد و معلوم است که این کتاب به رؤیت هشام رسیده است آن چنانکه دستور داده تا آن را برای ایشان از پهلوی ساسانی به عربی ترجمه نمایند و مسعودی در این مورد می‌گوید: «وکان تاریخ هذا الكتاب انه كتب مما وجد في الخزائن ملوك فارس للنصف من جمادی الآخره سنه ۱۱۳ و نقل لهشام بن عبدالملک من الفارسیه الی العربیه» (المسعودی، ۱۹۸۳، ۱۰۶) مسعودی نامی از مترجم این کتاب نبرده است لیکن مترجمین معروف آثار پارسی به عربی در این زمان عبدالله بن مقفع، و جبلة بن سالم و چند تن دیگر از پارسیان بوده اند که ابن ندیم از آنان نام برده (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۴۶). در میان افراد مذکور جبلة ابن سالم مترجمی چیره دست و مسلط به زبانهای پارسی و عربی بوده است. او کاتب مخصوص هشام ابن عبدالملک و مترجم پارسی در بار وی بوده و طبق نظر ابن ندیم آثار متعددی از تواریخ و افسانه های ایرانی از جمله داستان رستم و اسفندیار را به عربی ترجمه نموده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۴۶، ۵۴۱) و با توجه به تاکید مسعودی در مورد ترجمه کتاب الصور بدستور هشام ابن عبدالملک می‌توان گفت که به احتمال قریب به یقین جبلة ابن سالم مترجم کتاب الصور به زبان عربی در عهد هشام بوده است. ذبیح الله صفا نیز در کتاب حماسه سرایی در ایران معتقد است که کتاب الصور را جبلة بن سالم برای هشام بن عبدالملک ترجمه نموده است. (صفا، ۱۳۶۹: ۵۸). مسعودی تاریخ و سال ترجمه کتاب «الصور» را به زبان عربی را سال ۱۱۳ هجری در اواسط حکومت هشام بن عبدالملک بیان نموده است (المسعودی، ۱۹۸۳: ۱۰۶). با این مبحث به ذکر دیدگاههای مسعودی درباره کتاب الصور می‌پردازیم. ذبیح الله صفا نیز معتقد است که مترجم کتاب صور شخصی از مترجمین دربار هشام بن عبدالملک بوده که به فارسی مسلط بوده و نام وی جبلة بن سالم بوده است (صفا، ۱۳۶۹: ۵۸).

۲- ابوالحسن علی بن حسین مسعودی و کتاب الصور :

همانطور که اشاره شد نخستین کسی که در قرن سوم هجری از وجود کتاب مصور و منقوش ایرانی یاد می کند ابوالحسن علی بن حسین مسعودی است. مسعودی مورخی تیزبین، نقاد و مبتکر در عرصه تاریخ نگاری اسلامی بشمار می رود که با فاصله گرفتن از روش های حدیثی و نقلی در عرصه تاریخ نگاری اسلامی به تحلیل های عقلانی و مشاهده و سفر به منظور معاینه آثار و منابع تاریخی روی آورد (بهرامی ، ۱۳۸۷: ۴۱۱-۴۱۹) دیدگاه های مسعودی در تاریخ نگاری ایران قبل از اسلام خود شایسته ستایش و بررسی است و نشان می دهد که وی در آثار هفتگانه خود که مروج الذهب و التنبيه صورت مختصر شده آنها هستند توجه ویژه ای به تاریخ ایران باستان داشته که بررسی آنها نشان از اهمیت تفکر تاریخ نگاری در ایران باستان است. یکی از مواردی که مسعودی آگاهی ارزشمندی در تاریخ نگاری ایران باستان ارائه می دهد خبر او از وجود یک کتاب تاریخ نگاری مصور و منقوش در تاریخ ایران عصر ساسانی است. او شخصاً این کتاب را مشاهده کرده و آنرا اعجاب انگیز توصیف نموده و آگاهی های جالب توجه ای درباره ماهیت و محتوی این اثر بدست می دهد. مسعودی در کتاب التنبيه و الاشراف درباره چگونگی دست یابی به کتاب مصور تاریخ ساسانیان چنین می گوید که من در شهر اصطخر از سرزمین فارس در سال ۳۰۳ هجری در نزد برخی از اشراف زادگان پارسی کتابی عظیم یافتم که مشتمل بود بر علوم، اخبار پادشاهان و بنا های آنان و سیاست ها و تدابیرشان که چیزی درباره آن در کتاب های پارسی نظیر خدای نامه، آئین نامه و که نامه و غیر آن ندیده بودم. در این کتاب که در آن صورت بیست و هفت تن از پادشاهان آل ساسان ترسیم شده بود که بیست و پنج تن از آنان مرد و دو تن دیگر زن بودند که صورت هر یک از آنان را در روزگار مرگشان چه پیر بوده اند یا جوان با ریش و تاج، آرایه هایشان و چهره هایشان ترسیم شده بود و گفته شده بود که آنان پادشاهانی بوده اند که حدود چهارصد و سی سال و یک ماه و هفت روز در جهان فرمانروایی کرده اند و چون یکی از آنان می مرده است صورت او را با همان هیأت و ظاهری که بوده ترسیم می کرده اند و به خزائن پادشاهی می سپردند تا صفت مردگان به زندگان مخفی نماند و صورت آنان را که حالت جنگ بوده اند ایستاده و آنانکه به کاری مشغول بوده اند نشسته ترسیم نموده اند و « و انهم كانوا اذ مات

ملك من ملوكهم صوره على هيئته و رفعوا الى الخزائن كي لا يخفى على الحى منهم صفت الميت و صورة كل ملك كان في حرب قائماً و كل من كان في امر، جالساً و سره كل واحد منهم في خواصه و عوامه و ما حدث في ملكه من الكوائن العظيمة و الاحداث الجليله (المسعودي، ۱۸۹۳: ۱۰۶). پس از ذکر این مطالب مسعودی نخستین کسی است که در مورد ترجمه این کتاب از زبان پهلوی ساسانی به زبان عربی خبر می‌دهد و بین صورت آگاهی ارزشمندی که در زمینه انتقال متون تاریخی پهلوی ساسانی به زبان عربی قابل تحلیل است. او در مورد ترجمه و نقل این کتاب به عربی می‌گوید که تاریخ این کتاب آن‌چنان است که در جمادی‌الآخر سال ۱۱۳ براساس اسناد خزائن پادشاهان ایران برای هشام بن عبدالملک بن مروان از زبان پارسی به عربی ترجمه شده بود. بخش دیگری از آگاهی مسعودی در باب کتاب صور، توصیف صورت‌های مندرج در کتاب است که مسعودی با توجه به روش گزیده نویسی که در کتاب ارزشمند «التنبیه» نسبت به سایر کتب خود دنبال نمود، تنها به ذکر دو صورت از پادشاهان ساسانی یعنی صورت اردشیر بابکان به عنوان نخستین پادشاه ساسانی و صورت یزدگرد به عنوان آخرین پادشاه بنی ساسان اشاره نمود. کتاب مروج الذهب علی‌رغم ارائه اطلاعات بسیار ارزشمندی در باب تاریخ ایران و بیان نگرش‌ها و روش‌های تاریخ‌نگاری ایرانیان و آثار تاریخی آنان، در باب کتاب الصور چیزی بیان نکرده است (المسعودی، ۱۹۸۵: ۱/۲۹۸۵-۲۵۱). بررسی ویژگی‌های صورت‌نگاری تاریخی - شاهانی اردشیر بابکان و یزدگرد، به عنوان اولین و آخرین پادشاهان ساسانی از کتاب الصور در التنبیه و الاشراف مسعودی و مقایسه آگاهی‌ها و اطلاعات جزئی وی با دو اثر دیگری که بعداً از کتاب الصور یاد نموده‌اند ارزش، اعتبار، محتوی و مفاد کتاب الصور را برای ما بهتر روشن می‌سازد.

جدول مقایسه صفات صورت اردشیر بابکان و یزدگرد بن شهریار در کتاب التنبیه و الاشراف (مسعودی، ۱۳۷، ۱۰۶)

ردیف	نام پادشاهان	پیراهن و جامه	شلوار	ابزار	حالت	کفش	تاج
۱	اردشیر بابکان	پیراهنش با زمینه سرخ درخشان و دینارگون (مذکر)	و شلوارش به رنگ آسمان	با نیزه‌ای در دست	در حالت ایستاده	-	و تاجش سبز در زمینه طلایی

۲	سایر پادشاهان ۲۵تن	؟	؟	؟	ایستاده یا نشسته	-	؟
۳	یزدگرد بن شهریار	پیراهنش سبز مزین	آسمان رنگ و مزین	با نیزه‌ای در دست	ایستاده	-	تاج سرخ رنگ

مسعودی کتاب الصور را عظیم‌تر از سایر کتب تاریخی ایرانیان می‌داند و آن چنانکه اشاره شد می‌گوید به لحاظ اشمال آن بر مطالب و مضامین مختلف مانند سیاست‌ها، تدابیر، ابنیه، علوم و اخبار پادشاهان و همچنین رفتار آنان با خواص یاران و عوام رعیت و حادثه‌ها و اتفاقات دور آن پادشاهی هر یک از فرمانروایان ساسانی قابل قیاس با «که‌نامه‌ها»، «خدای‌نامه‌ها» و «آئین‌نامه‌ها» نبوده است. این امر ما را به اهمیت و ارزش و جامعیت کتاب الصور در ذکر حوادث تاریخی عهد ساسانیان آگاه می‌سازد و نیز مشخص می‌کند که مسعودی به کتب تاریخی ایرانیان آگاهی کامل داشته و در قیاس با سایر منابع تاریخ‌نگاری ارزش کتاب الصور را بسیار فراتر از آنها دانسته است و سطح دانش‌ها و علوم و اخبار تاریخی آن را ستوده و آن را کتابی عظیم برآورد نمود. که تنها در نزد بزرگان و اهل بیوتات جامعه ایران پیدا می‌شد. و بر آگاهی‌های دقیق تاریخی که براساس اسناد و مدارک خزائن رسمی دربار پادشاهی ساسانیان استوار بوده است و در این مورد چنین گفته «واریت مدینه اصطخر من ارض فارس فی سنة ۳۰۳ عند بعض اهل البیوتات المشرقة من الفرس کتاباً عظیماً مشتمل علی علوم کثیره من علومهم و اخبار ملوکهم و ابنیتهم و سیاساتهم لم اجدها فی شیء من کتب الفرس...» (المسعودی، ۱۸۹۳: ۱۰۶). کراتشوسکی این کتاب را برابر اظهارات مسعودی و ابن قتیبه با یکی از تاج‌نامه‌ها انطباق می‌دهد و گفته است محتمل است که کتاب مصوری که مسعودی از آن یاد می‌کند همان تاج‌نامه ابی باشد ابن قتیبه مطالبی از آن را بیان کرده است (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۲۰۷/۴)، البته با توجه به اشراف حمزه اصفهانی به آثار تاریخی ایرانیان و استفاده او از هر دو کتاب تاجنامه و الصور در تاریخ پیامبران و شاهان به عنوان آثاری مستقل از یکدیگر، تایید چنین دیدگاهی مشکل است. آگاهی‌های دیگر در باب جزئیات صفات، خصوصیات شخصی شاهان، و علائق و حالت، ملبوس و رنگ‌های آن در دو اثر تاریخی دیگر که پس از مسعود از کتاب مذکور یاد نموده‌اند آمده است. این آثار بخش‌های دیگری از ماهیت کتاب الصور، مخصوصاً در توصیف پوشش و رنگ‌های بکار رفته در صور پادشاهان ساسانی را برای ما آشکار می‌سازند.

۳- حمزه بن حسن اصفهانی و کتاب الصور یا صور ملوک بنی ساسان :

کتاب کم حجم اما پر محتوی و دقیق حمزه اصفهانی که با روحیاتی انتقادی و پژوهشی در تاریخ جهان باستان از جمله تاریخ ایران باستان نگاشته شده همواره مورد توجه محققان و مستشرقان تاریخ ایران باستان بوده است و به عنوان یک پژوهش اصیل و ابتکاری از آن یاد شده است (تاریخ کمبریج، ۱۳۶۸: ۴۷۴) و از جمله مزایا و اهمیت

مهم آن دقت انتقادی از منابع تاریخ‌نگاری بوده است. در همین اثر حمزه بخاطر جستجوی گسترده‌ای که در تاریخ ایران باستان انجام داده به کتاب مصور تاریخی عهد ساسانیان دست یافته است. او پس از مسعودی به توصیف شمایل و سر و وضع، ملبوس، رنگ و تاج شاهان ساسانی می‌پردازد و تا حدود زیادی ماهیت و ساختار کتاب «الصور» یا «صورت ملوک بنی ساسان» را بویژه در فهم بخشی که ویژگی‌های مصور کتاب و ساختار تصویرنگارانه آن را مورد بحث قرار داده روشن می‌کند و آگاهی ما را از ترکیب رنگ‌ها و انواع پوشش شاهان ساسانی و نقوش و نگارگری و چیره دستی اعجاب برانگیز دیران صورت‌نگر عهد ساسانی افزایش داده است.

حمزه بن حسن اصفهانی در کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء در سه نوبت از کتاب تاریخ تصویری ساسانیان یاد کرده، نخست در شرح پادشاهی اردشیر بابکان و در توصیف شمایل و صورت او از کتابی به نام «کتاب صور ملوک بنی ساسان» یاد می‌کند (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴۶). در موارد بعدی از این کتاب با نام مختصر «الصور» یاد نموده است یکی در شرح پادشاهی هرمز پسر شاپور و دیگری در شرح پادشاهی و صورت بهرام پسر هرمز اول (اصفهانی، ۱۳۱۷: ۴۷، ۴۸)، حمزه آگاهی‌های خود را در باب سر و وضع و پوشش حالات مصور شاهان ساسانی بطور کلی از این کتاب برگرفته و به ترتیب ضمن بیان مختصری از اعمال پادشاهان ساسانی بخش مهمی از این مطالب کتاب تاریخ پیامبران و شاهان را به شرح صورت آنها مطابق کتاب الصور و محتوی آن اختصاص داده است. حمزه اصفهانی به ترتیب تاریخی، ۲۶ فهرست مصور از شاهان ساسانی را توصیف نموده است و در حالیکه مسعودی در التنبیه و الاشراف به ۲۷ صورت اشاره نموده بود و تنها به توصیف دو صورت پرداخته بود. در بررسی مجموعه آگاهی‌های حمزه در باب توصیف فهرست صورتهای مذکور و ویژگیهای صورت شناسی رنگ‌ها و البسه شاهان، ما تصاویر شاهان ساسانی را براساس هفت ویژگی به شرح زیر تقسیم‌بندی نموده و در جدول مقایسه‌ای ترسیم نموده تا علائق و سلائیق و نوع ملبوس، حالات و ویژگی‌ها و شمایل و ابزارهای مصور شاهان ساسانی و آرایه‌های آنها نسبت به یکدیگر مورد بازشناسی قرار گیرد. با توجه به برخی تفاوت‌های این کتاب با اثر مولف مجمل التواریخ همین تقسیم‌بندی را در جدول کتاب مجمل التواریخ ترسیم نموده ایم.

تقسیمات هفتگانه در تصاویر منقوش کتاب الصور مطابق اطلاعات حمزه اصفهانی و مولف مجمل

التواریخ

- ۱- نام و نسب سلاطین ساسانی
- ۲- زمینه رنگی و نقش پیراهن و جامه آنان
- ۳- زمینه رنگی و نقش شلوار پادشاهان
- ۴- افزاری که پادشاهان در دست داشته‌اند
- ۵- نوع رنگ کفش‌های آنان

۶- حالت پادشاهان (ایستاده یا نشسته و حالت دستان و یا طرز نشستن آنها)

۷- نوع نقش ، جنس و رنگ تاج آنان

جدول صورت پادشاهان ساسانی به نقل از سنی الملوك و الأرض و الانبياء از حمزه اصفهانی

براساس کتاب الصور در تاریخ ملوک بنی ساسان (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴۶-۵۱)

ردیف	نام پادشاهان ساسانی	پیراهن	شلوار	افزار	کفش	حالت	تاج
۱	اردشیر	منقش به نقش دینار (مدنر)	شلوار آسمان رنگ	بدست او نیزه افراشته	سرخ	-	تاج سبز در طلا نهاده
۲	شاپور پسر اردشیر	پیراهن آسمان جونی (رنگ آسمانی لاجوردی)	شلوار وشی کرده سرخ	بدست او نیزه افراشته	سرخ	-	تاج سرخ در میانه‌ی سبز
۳	هرمز پسر شاپور	پیراهن وشی کرده‌ی سرخ	شلوار سبز	۱- به دست راست نیزه ۲- بدست چپ سپر ۳- سوار بر شیر	سرخ	-	تاج وی سبز در طلا نهاده
۴	بهرام پسر هرمز (بهرام اول)	پیراهن اوسرخ	شلوار او نیز سرخ	۱- بدست راست نیزه ۲- بدست چپش شمشیر که بدان تکیه کرده	سرخ	ایستاده است	تاج وی آسمانی رنگ که در میان دو رده‌ی طلا قرار داشت

تاج وی آسمانی رنگ که در میان دو رده‌ی طلا قرار داست با هلال طلایی	نشسته بر تخت	سرخ	۱- به دست راستش کمائی با زه کشیده ۲- بدست چپش سه تیر بوده	شلوارش سبز	پیراهن وی سرخ وحشی کرده	بهرام پسر بهرام (بهرام دوم)	۵
تاجش سبز میان دو رده‌ی طلا	نشسته بر تخت	سرخ	شمشیر به دست	شلوار سرخ	پیراهن آسمان گون وشی کرده	بهرام پسر بهرام بن بهرام (بهرام سوم)	۶
تاج سبز	به پا ایستاده	سرخ	با هر دو دست شمشیر گرفته	شلوار آسمان گون وشی کرده	پیراهن او سرخ وشی کرده	نرسی پسر بهرام	۷
تاج سبز	به پا ایستاده	سرخ	شمشیر به هر دو دست گرفته	شلوار آسمان گون وشی کرده	جامه سرخ وشی کرده	هرمز پسر نرسی	۸
تاج آسمان گون که پیرامون آن زرنگار و در میان دور دهی طلا قرار دارد با هلالی زرین در وسط	بر تخت نشسته	سرخ	در دست او تبر زرین	شلوار سرخ وشی کرده	پیراهن او سرخ وشی کرده	شاپور ذوالاکتاف	۹

تاج سبز	به پایستاده	سرخ	بدست راستش نیزه و دست چپش شمشیر	شلوارش نگاشته به سرخی	پیراهن او وشی کرده نگاشته به دینار (مدنر) و آسمان گون	اردشیر پسر شاپور	۱۰
تاج سبز در سرخی نهاده و میان دو رده از طلا با هلالی زرین	به پایستاده	سرخ	در دستش شاخه آهنی بر سرش مرغی به دست چپ شمشیر بدان تکیه کرده	شلوارش آسمان گون	پیراهن او سرخ وشی کرده در زیر جامه زیرین جامه دیگر زرد رنگ	شاپور پسر شاپور	۱۱
تاجش سبز در میانه سه ردیف ...	به پایستاده	سرخ	به دست راست نیزه و دست چپش شمشیر و به آن تکیه کرده	شلوار سرخ وشی کرده	پیراهن آسمان گون وشی کرده	بهرام بن شاپور (کرمانشاه)	۱۲
تاجش آسمان گون	به پایستاده	سرخ	نیزه بدست	شلوارش آسمان گون	پیراهن وی سرخ	یزدگرد پسر بهرام (نزه کار)	۱۳
تاجش آسمان گون	بر تخت نشسته	سرخ	در دستش گرز	شلوار سبز وشی کرده	پیراهن آسمان گون	بهرام گور پسر یزدگرد	۱۴
تاجش آسمان گون	بر تخت نشسته	سرخ	بر شمشیر تکیه کرده	شلوارش سیاه با نقوش طلا	پیراهن وی سبز	یزدگرد پسر بهرام	۱۵

تاجش آسمان گون	بر تخت نشسته	سرخ	به دستش نیزه	شلوارش آسمان گون با نقوش طلا	پیراهن او سرخ	فیروز پسر یزدگرد	۱۶
-------------------	-----------------	-----	-----------------	------------------------------------------	------------------	---------------------	----

ادامه جدول مقایسه‌ای صورت پادشاهان ساسانی به نقل از کتاب سنی الملوک و الأرض
و الانبیاء بر اساس کتاب الصور در تاریخ ملوک بن ساسان

ردیف	نام پادشاهان ساسانی	پیراهن	شلوار	افزار	کفش	حالت	تاج
۱۷	بلاش پسر فیروز	جامه وی سرخ	شلوارش سرخ نگاشته به سیاهی و سفیدی	به دستش نیزه	سرخ	به پایستاده	تاجش آسمان گون
۱۸	قباد پسر فیروز (کواد)	پیراهن آسمان گون نگاشته به سفید و سیاه	شلوارش سرخ	به شمشیر تکیه کرده	سرخ	بر تخت نشسته	تاجش سبز
۱۹	خسرو انوشیروان	پیراهنش سفید با نقوش و رنگ‌های گون‌گون	شلوار آسمان گون	به شمشیر تکیه کرده	سرخ	بر تخت نشسته	؟-
۲۰	هرمز پسر کسری	پیراهن وی سرخ منقش به نقوش	شلوارش آسمان گون و منقش به نقوش	به دست راستش گرزی به دست چپش به شمشیر تکیه کرده	سرخ	بر تخت نشسته	تاجش سبز

تاجش سرخ	-	سرخ	به دستش نیزه	شلوار آسمان گون	پیراهنش گلی رنگ منقوش به نقوش	خسرو پسر هرمز (خسرو پرویز)	۲۱
تاجش سبز	به پا ایستاده	سرخ	در دستش شمشیری کشیده	شلوارش آسمان رنگ و مرصع	پیراهن سرخ منقش به نقوش	شیرویه پسر کسری پسر پرویز	۲۲
تاجش سبز	به پا ایستاده	سرخ	بدست چپ به شمشیر تکیه کرده به دست [راستش] نیزه	-	پیراهن وی مرصع (موشع) آسمان رنگ	اردشیر پسر شیرویه	۲۳
تاجش تیز آسمانی رنگ	بر تخت نشسته	سرخ	به دستش تبر زین	شلوارش آسمانی رنگ	پیراهنش منقش به نقوش و سبز	پور انداخت	۲۴
تاجش سبز	بر تخت نشسته	سرخ	به دست راستش تبر زین به دست چپش به شمشیر تکیه کرده	شلوارش آسمان گون و مرصع	پیراهنش منقش به نقوش به رنگ سرخ	آذر مین دخت دختر پرویز	۲۵
تاجش سرخ	-	سرخ	به دستش نیزه‌ای و به شمشیر تکیه زده	شلوارش به رنگ آسمان	پیراهنش سبز منقش به نقوش	یزدگرد شهریار	۲۶

۴- مؤلف گمنام مجمل التواریخ و کتاب «الصور» یا «صورت پادشاهان بنی ساسان»:

پس از مسعودی و حمزه اصفهانی، مؤلف گمنام کتاب ارزشمند مجمل التواریخ و القصص که در سال ۵۲۰ ه.ق تالیف شده از کتاب صور استفاده نموده است. البته ترتیب بیان و شیوه توصیف مطالب نشان می‌دهد که مؤلف مجمل التواریخ از کتاب حمزه اصفهانی بهره برده و بسیاری از مطالب را به همان صورتی که حمزه وصف نموده بیان کرده است. در پاره‌ای از موارد توصیفات مؤلف مجمل التواریخ با حمزه متفاوت است و این احتمال را نشان می‌دهد که این مؤلف به مأخذ اصلی یعنی کتاب الصور دسترسی داشته است و یا شاید در توصیف و ثبت اطلاعات اشتباه نموده و یا شاید نسخه‌ای نسبتاً متفاوت از کتاب الصور و یا کتاب حمزه اصفهانی را در دسترس داشته است، این مسأله می‌تواند تفاوت مختصری را که میان آگاهی‌های مؤلف مذکور و حمزه وجود دارد را توجیه کند. البته کتاب حمزه از منابع مهم مولف مجمل التواریخ بوده، اما مؤلف در بررسی صورت پادشاهان در شش مورد از کتاب صور به اشکال مختلف یاد می‌کند و در این قسمت‌ها هیچ اشاره‌ای به کتاب حمزه اصفهانی ندارد. مؤلف مجمل التواریخ چندین بار از کتاب منقوش و مصور مذکور تحت عناوین «کتاب صورت پادشاهان بنی ساسان»، «کتاب الصور»، «کتاب صوره»، «صورت ساسانیان»، «کتاب صور» و «کتاب صورت آل ساسان» یاد نموده است (مجممل التواریخ، بی تا: ۳۸-۳۲). مترجم متن فارسی کتاب حمزه اصفهانی معتقد است که مؤلف مجمل التواریخ ناشیانه به ترجمه و نقل و بهره‌برداری از کتاب حمزه پرداخته و بخاطر عدم تسلط کافی بر زبان عربی به نقل ناقص و اشتباه‌گونه مطالب حمزه در کتاب خود پرداخته است و علت تفاوت و تناقضات در متن کتاب مجمل التواریخ همین مسأله است (اصفهانی، ۱۳۶۷، صفحات سیزده، چهارده، مقدمه مترجم). به هر حال با توجه به بروز پاره‌ای اختلاف نظرها در دو کتاب اصلی که به توصیف رنگ‌ها، صورت‌ها، نمادها و ابزارها و ملبوس شاهان ساسانی پرداخته‌اند، جدول مقایسه‌ای صورت پادشاهان و مشخصات آنان در قیاس با اثر حمزه اصفهانی به شرح زیر ترسیم می‌گردد.

جدول مقایسه ای صورت پادشاهان ساسانی به نقل از کتاب مجمل التواریخ و القصص
براساس کتاب الصور در تاریخ ملوک بنی ساسان

ردیف	نام پادشاهان ساسانی	پیراهن	شلوار	افزار	کفش	حالت	تاج
۱	اردشیر بن بابک	پیراهن او به دینارها بود	آسمان گون	نیزه در دست	سرخ	ایستاده	سبز در زر
۲	شاپور پسر اردشیر	آسمان گون	وشی سرخ	نیزه در دست	سرخ	ایستاده	سرخ در سر [سبز]
۳	هرمز پسر شاپور	وشی سرخ	سبز	۱-نیزه در دست راست ۲-سپر در دست چپ	سرخ	نشسته بر شتری	سبز در زر
۴	بهرام پسر هرمز (بهرام اول)	سرخ	سرخ	۱-نیزه در دست راست ۲-در دست چپ شمشیر	سرخ	تکیه داده به شمشیری که در دست چپ است	آسمان گون
۵	بهرام پسر بهرام (بهرام دوم)	وشی سرخ	سبز	۱-سه چوبه تیر در دست چپ گرفته ۲-در دست راست کمانی بر زه کرده	سرخ	نشسته بر سریر	آسمان گون میان دو شرفه زرین
۶	بهرام پسر بهرام بن بهرام (بهرام سوم)	آسمان گون	سرخ	بر شمشیر تکیه کرده	سرخ	بر سریر نشسته	سبز میان دو شرف زر اندر ساخته
۷	نرسی پسر بهرام	وشی سرخ	وشی برلون آسمان	دو دست بر شمشیر فروچسبیده	سرخ	ایستاده بر پای	تاج سبز بر سر
۸	هرمز پسر نرسی	سرخ وشی	آسمان گون	با هر دو دست تکیه بر شمشیر زده	سرخ	[ایستاده]	تاج سبز بر سر

ادامه جدول مقایسه ای صورت پادشاهان ساسانی به نقل از کتاب مجمل‌التواریخ و القصص
براساس کتاب‌الصور در تاریخ ملوک بنی‌ساسان

ردیف	نام پادشاهان ساسانی	پیراهن	شلوار	افزار	کفش	حالت	تاج
۹	شاپور پسر هرمز (شاپور دوم)	مورّد وشی	سرخ وشی	تبر زین اندر دست	سرخ	بر تخت نشسته	۱- تاج بلون آسمان ۲- به زر منقش به رنگ‌ها ۳- اندر میانه دو شرفه زر ۴- و صورت ماه بر سر نگاشته
۱۰	اردشیر پسر هرمز بن نرسی	آسمان گون و وشی بدینارها	سرخ	۱- بدست راست نیزه ۲- بدست چپ شمشیر	سرخ	[ایستاده]	تاج سرخ بر سر
۱۱	شاپور بن شاپور پسر شاپور ذوالاکتاف	وشی سرخ در زیر پیراهن دیگری به رنگ زرد	آسمان گون	۱- قضیبی آهن صورت مرغی بر سرش به دست راست ۲- دست چپ بر قبضه شمشیر	سرخ	ایستاده	تاج میان دو شرفه زر اندر برنگ سبز
۱۲	بهرام بن شاپور (کرمانشاه)	آسمان گون	وشی کرده	۱- بدست راست اندر نیزه ۲- بدست چپ بر شمشیر فراخمیده	سرخ	[ایستاده]	تاج سبز، در میان سه شرفه زر

۱۳	یزجرد پسر بهرام (بزه گر)	سرخ	بلون آسمان	نیزه اندر دست	سرخ	ایستاده	تاج بلون آسمان
۱۴	بهرام گور پسر یزدگرد	آسمان گون	سبز وشی	گرز اندر دست	سرخ	-	-
۱۵	یزد جرد پسر بهرام گور	پیراهن سبز	شلوارش وشی سیاه ، رنگها با زر	تکیه زده بر تیغ	سرخ	بر تخت نشسته	تاج آسمان رنگ
۱۶	فیروزه پسر یزدگرد بن بهرام گور	پیراهن سرخ	شلوار آسمان گون به زر وشی کرده	نیزه اندر دست گرفته	سرخ	بر تخت نشسته	تاج آسمان گون به زر وشی کرده
۱۷	بلاش پسر فیروز	پیراهن سرخ	شلوار سرخ با سیاه و سفیدی بهم آمیخته	نیزه در دست پشت گرفته	سرخ	ایستاده	تاج آسمان گون
۱۸	قباد پسر فیروز (کواد)	آسمان گون با سیاهی و سفیدی آمیخته	شلوار سرخ	به تیغ فراخمیده	سرخ	بر تخت نشسته	تاج سبز
۱۹	کسری انوشیروان پسر قباد	پیراهن سفید به رنگها آمیخته و وشی کرده	شلوار آسمان رنگ	بر شمشیر فراخمیده	سرخ	بر تخت نشسته	-
۲۰	هرمز پسر نوشروان	-	-	۱- به دست راست اندر گزری داشت ۲- وچپ بر قبضه تیغ نهاده	سرخ	بر تخت نشسته	با تاج سبز
۲۱	کسری پرویز (خسرو پرویز) پسر هرمز بن انوشروان	پیراهن مورد وشی داشت	و شلوار آسمان گون	نیزه در دست	سرخ	-	تاج سرخ

تاج سبز	بر پای ایستاده	سرخ	بدست راست شمشیر کشیده	شلوار آسمان گون	پیراهن وشی سرخ داشت	شیره پسر کسری پرویز	۲۲
تاج سبز	بر پای ایستاده	سرخ	۱- نیزه بدست راست ۲- به دیگر دست شمشیر چسبیده	-	پیراهن آسمان گون داشت	اردشیر پسر شیروی	۲۳
تاج آسمان گون	بر تخت نشسته	سرخ	تبر زین در دست	شلوار آسمان گون	پیراهن وشی سبز	پوران دخت دختر پرویز بود	۲۴
تاج سرخ بر سر	بر سر بر نشسته	سرخ	۱- بدست راست نیزه ۲- و چپ بر تیغ تکیه زده	شلوار آسمان گون	پیراهن او سرخ و ملون	آذرمیدخت خواهر پوران دختر پرویز	۲۵
تاج سرخ	-	سرخ	نیزه اندر دست و بر شمشیر فراخمیده	و شلوار آسمان گون	پیراهن وشی سرخ داشت	یزجرد آخر ملوک عجم	۲۶

د- تحلیلی از اهمیت تاریخی، زیباشناسی و تحقیقاتی کتاب الصور:

بررسی رنگ‌ها در صورت‌های بکار رفته در رنگ‌آمیزی و نگارگری چهره ملوک ساسانی امری است نه تنها به لحاظ شناخت رنگ‌ها و رنگ‌آمیزی، هنر نگارگری قابل بحث تفصیلی است بلکه فرصتی جداگانه و دقت خاص و ویژه را می‌طلبد و شایسته است که بصورت مستقل بدان پرداخته شود. با بررسی رنگ‌های به کار رفته در این تصاویر می‌توان به نوعی علائق شخصی و سلیقه انتخاب رنگ‌ها را بر اساس صور هر یک از پادشاهان ساسانی تشخیص داد. بر اساس تمایل شخصی رنگ‌گرایانه پادشاهان می‌توان به اهمیت رنگ‌شناختی و روان‌شناسی رنگ‌شناختی در باره هر یک از پادشاهان دولت ساسانی پرداخت. تنوع و آمیختگی رنگ‌ها، منقش یا غیر منقش بودن جامه، شلوار پادشاهان یا استفاده از رنگ‌های یکنواخت در پیراهن، شلوار و جامه،

نوع رنگ‌های مورد علاقه هر یک از پادشاهان ساسانی از نظر ابعاد روانی و سمبلیک رنگ در روان‌شناسی رنگ و تاثیرات آن در شخصیت تاریخی شاهان ساسان قابل بررسی است. در عین حال وجوه و ابعاد هنری و رنگ آمیزیهای هنرمندانه و ترکیب رنگ‌ها خود مضامین دیگری دارد، ترکیب رنگ‌ها، ویژگی‌های رنگ شناسانه و حتی جنس و نوع رنگ، از دیدگاه هنری در جای خود و بر اساس برخی از مستندات منقول در منابع تاریخ و بکارگیری آن در زمان هر یک از پادشاهان قابل بررسی خواهد بود و رنگ‌شناسی طبقه فوقانی جامعه ایران و کاربرد آن را نشان می‌دهد. کاربرد این رنگ‌ها حضور هنرمندانه و برجسته‌ی نگارگران و مصوران ایرانی را که در خزائن، مراکز و دربار پادشاهان ساسانی به بهترین وجهی در ترسیم اشکال شاهانه چیره دست بوده اند را نشان می‌دهد؛ به علاوه نوع صورت البسه، هنر خیاطی و تنوع لباس را نمایان می‌سازد که خود در جلوه‌های رنگارنگ لباس‌های فاخر شاهانه نمودار شده است. در عین حال در ورای شکل و تنوع پوشش‌های شاهان قطعاً می‌توان به ساخت پارچه‌های منقوش و رنگین و در نهایت به کار هنرمندان و رنگ رزان و سازندگان اقمشه فاخر در این عصر ونحوه مرصع و زربفت نمودن آن‌ها، بکارگیری رج و رده‌های زرین در البسه و شرفه دوزی در حواشیه آنها و نیز شکل و ساخت ابزارهای که در این تصاویر به کار رفته توجه کرد. پای افزار پادشاهان ساسانی از این لحاظ قابل بحث است که همه پادشاهان ساسانی کفش یک رنگی می‌پوشیده‌اند که به رنگ سرخ بوده و رنگ سرخ رنگ غرور و رفاه و رنگ اشرافیت بوده و در پای اشراف این رنگ تالوئه خاص و شکوه اشرافیت را نمایان می‌سازد برای همین پای افزار همه آن‌ها کفش سرخ بوده است. (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۵۹؛ مولف مجمل التواریخ، بی تا: ۳۸). ارزش هنری البسه، رنگ‌ها، ترکیب‌های رنگین، شیوه پوشش و ساختار البسه تنها ارزش شناخته شده این مستندات در باب کتاب الصور در تاریخ تصویری شاهان ساسانی نیست بلکه ارزش اکتشافی و اکنون، از این تصاویر و رنگ‌ها می‌توان هم در کاربردهای هنری در فیلم‌های تاریخی در عهد ساسانیان، هم در ساخت تصاویر و ترسیم نقوس و نقاشی از پادشاهان ساسانی، هم در ساختن فیلم‌های تاریخی در باب بازسازی پوشش و ساختار لباس پادشاهان ساسانی ایرانی ارزش دو چندان دارد و می‌توان

مورد توجه فیلم‌سازان، سینماگران، هنرمندان، نقاشان قرار گیرد. بازنشاسی، شناخت و تفسیر هنرمندانه این ابعاد از تاریخ تصویری عهده ساسانی بدین صورت شکل کاربردی پیدا می‌کند.

ه- تداوم سنت صورتگری و تاریخ‌نگاری و انتقال آن به عصر اسلامی :

سنت صورتگری و مصور سازی منابع مکتوب تاریخی و ادبی در میان ایرانیان حتی پس از سقوط امپراطوری ساسانی از بین نرفت بلکه دبیران صورتگر، کاتبان و نساخان نسخ و الواح همانطور که در انتقال دانش و آگاهی‌های تاریخی و فرهنگی موثر بوده‌اند در پیوند با حوزه‌های ادبی و فرهنگی، تاریخ‌نگاری مصور را نیز به دوره اسلامی انتقال داده‌اند. مستندات فراوانی در باره تداوم سنت نگارگری و صورت‌گری ایرانیان وجود دارد با توجه به استفاده منابع و کتب تاریخی از کتاب «الصور» یا «صور ملوک بن ساسان» و توجه مورخانی چون حمزه اصفهانی، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی و عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی، فردوسی طوسی، عبدالله بن مقفع و... تداوم پیوستگی دانش تاریخ را با تاریخ‌نگاری مصور در ایران بعد از اسلام نمایان می‌سازد. البته مباحث مختلفی در حوزه صورتگری در اسلام مطرح شد که عمدتاً واکنش عربی و قشری از ترسیم صور بر اساس پیشینه عربی از بت پرستی در تقابل به کانونهای نگارگری در تمدنهای رومی و بویژه ایرانی بوده است. ابو معشر بلخی که خود ایرانی بود در ابتدای حیات علمی اش از اهل حدیث بشمار می‌رفت وی از مخالفان کندی فیلسوف بزرگ بود، کتابهای در باب احکام صورتگری تحت عنوان «الکتاب الصور و الحکم علیها» و «کتاب الصور و الدرج و الحکم علیها» نوشت (ابن ندیم؛ ۱۳۶۶: ۴۹۷-۴۹۶). بعلاوه صورتگری و نقاشی به عنوان یک سنت مستمر ایرانی نه تنها در پیوند با دانش تاریخ بلکه بیش از آن در عرصه نگارش دانش جغرافیا و خریطه‌نگاری و ترسیم صور و نقوش نواحی و اقالیم مختلف جغرافیای در متون کهن جغرافیایی و در توسعه دانش جغرافیای تاریخی شهرها، راهها، سرزمینها، ترسیم منازل و مسافتات آنها همچنان تحت نفوذ مکتب مصور سازی ایرانیان بود. نگارش کتاب اشکال العالم بوسیله جیهانی، صور اقالیم ابوزید بلخی، صورة الأرض محمد بن حوقل و مسالک الممالک اصطخری با صورهای جغرافیایی و خریطه‌های رنگی همچون صور فارس، صور سجستان،

صوره کرمان ، صوره الجبل ، صوره الارض و... همه بیانگر تداوم و رشد گسترش چنین روش و شیوه‌ای در شناخت مصور حیات انسان ایرانی در تاریخ و جغرافیا بوده است که از سنن تفکر صورت‌نگاری و تاریخ صورت‌نگرانه و مصور ایران باستان نشأت گرفته است. (اصطخری ، ۱۳۶۸ : ۸۰-۷۰، ۲۲۳-۲۲۲). هر چند صورت‌نگاری و مصور سازی با توجه به ممنوعیت های قشرین متشرع و اهل حدیث که صورت‌نگری و نگارگری را به نحوی با برداشت های که آن را به سنت های بت تراشی اعراب و تصویر پرستی نصاری و یهود پیوندمی داد ، در محدودیت قرار گرفت؛ اما علما و اندیشمندان بزرگی چون ابوزید بلخی که از فیلسوفان و علماء برجسته ایرانی بود کتابی عظیم در این باره به نام «الصوره و المصور» نگاشته است و همو کتاب صور الاقالیم را در حوزه جغرافیا به رشته تحریر در آورده (ابن ندیم ، ۲۲۸، ۱۳۶۶- ۲۲۹) بود و اعراب خود نیز از همین سنت و مکتب تاثیر فراوان پذیرفتند و در معماری و مصور سازی بناها و عمارات و سپس منبع مکتوب از آن بهره بردند .

نتیجه گیری

باز کاوی و تحلیل دقیق عناصر و مستندات تاریخ‌نگارانه در عهد اسلامی و تحلیل ابعاد و زوایای این مدارک و اسناد جلوه‌ها و شیوه‌های ویژه ای از تفکر و آگاهی تاریخ‌نگارانه را در ایران عهد ساسانیان را باز می‌نمایاند که در نوع خود بی‌نظیر تلقی می‌شود. یکی از این جنبه‌های تفکر در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری در ایران باستان تفکر مبتنی بر تلفیق آگاهی تاریخی با هنر صورت‌گری است که در نهایی‌ترین شکل تکاملی خویش به صورت‌نگاری و تاریخ‌تصویری موسوم به «الصور» منجر گردیده است. نگارگری، نقاشی و صورت‌پردازی ریشه در اعماق هزاره‌های تاریخ سرزمین ایران دارد، اقوام کهن پیشا آریایی از ادوار کهن، ذوق نگارگرانه و هنرمندانه خویش را در شکل ظروف و دست ساخته‌های منقش گلی، سنگی و فلزی و در معماریهای، کاخ‌ها، و در دل کوهها و در نهایت در کتب و منابع ادبی، فرهنگی دینی و تاریخی به نمایش گذاشته‌اند. بدین صورت سنت های صورت‌نگاری و نگارگری در ایران باستان آن‌چنان رشد یافتند که از نگارگری کتیبه‌ها و تصاویر منقوش از حوادث سیاسی - نظامی و حیطه نقوش در

کاخ‌های خسروانی فراتر رفته و درحوزه‌های متعددی وارد شد؛ بویژه در نگارگری و نقر منقوش و مصور سمبل‌ها و نشانها در فرامین پادشاهان ساسانی و نقش خواتم و انگشتری‌ها به شیوه‌ای بسیار ظریف تکامل پیدا کرد.

تکامل این سنت پیش‌آرایی در مراحل بعدی در ابعاد هنری و معماری، مذهبی و ادبی و تاریخی و جغرافیایی شکل گرفت، و در نهایت بشکل مصورسازی کتب و منابع مکتوب درآمد. ابتدا کتب مذهبی نخستین کتاب‌هایی بود که با تذهیب، نگارگری مصورسازی و تزئین گردیده و سپس سایر متون و منابع دیگر در حیطه‌ی هنر نگارگری و مصورسازی در آمدند، اما بایستی گفت که هنر نگارگری و مصورسازی هنر برگزیده و اشرافی و در خدمت گزیده‌گان و طبقه اجتماعی و اشرافیت مذهبی و سیاسی بود و قدرت سیاسی موسسات و نهادهای مذهبی از آن بهره می‌برده‌اند، لذا مهمترین محل‌ها برای تجلی این هنر به ناچار دیوار بناهای سلطنتی و کاخ‌های مسکونی شاهان یا یادگارهای شاهانه بوده است و بدین صورت در عرصه‌ی تاریخ‌نگاری شاه به عنوان محور اساسی تفکر تصویرگری تاریخ‌نگارانه درآمد، و بر همین اساس نوعی تاریخ‌نگاری تصویری در دربار شاهان ساسانی شکل گرفته که از آغاز تاسیس دولت ساسانی شرح حال، صورت و شمایل اخبار آنان را ترسیم و تنظیم می‌نموده، یکی از نمونه‌های برجسته آن کتاب‌الصور بوده که در کنار سایر متون تاریخی عهد ساسانیان علاوه بر آگاهیهای متنوع و مکتوب، آگاهی‌های بصری، تصویری و رنگ‌شنا سانه‌ی بسیار جذابی در اختیار ما قرار می‌دهد و ارزش نگارگری و تصویرسازی را در انتقال و فهم تاریخ ایران عصر ساسانی را به نمایش می‌گذارد. کتاب‌الصور عظیم‌تر از سایر کتب تاریخی ایرانیان بوده و آن چنانکه اشاره شده به لحاظ اشمال آن بر مطالب و مضامین مختلف مانند سیاست‌ها، تدابیر، ابنیه، علوم و اخبار پادشاهان و همچنین رفتار آنان با خواص یاران و عوام رعیت و حادثه‌ها و اتفاقات دور آن پادشاهی هر یک از فرمانروایان ساسانی قابل قیاس با «که‌نامه‌ها»، «خدای‌نامه‌ها» و «آئین‌نامه‌ها» نبوده است. مورخان چون مسعودی، حمزه اصفهانی و مولف مجمل‌التواریخ با ذکر بخش‌هایی از تاریخ تصویری آل ساسان ماهیت و محتوی این اثر تاریخی و شاهانه را توضیح داده است. این امر ما را به اهمیت، ارزش و جامعیت کتاب‌الصور در ذکر حوادث تاریخی عهد ساسانیان آگاه می‌سازد. این کتاب

مصور تاریخی بر آگاهی‌های دقیق تاریخی و براساس اسناد و مدارک خزائن رسمی دربار پادشاهی ساسانیان استوار بوده است ، صورتگری ها و رنگ آمیزی های خاص این کتاب با اصباغ و الوان متنوع به منظور ایجاد علاقه و نزهت خاطر خوانندگان چنین متونی بوده است. این چنین انگیزه های نشان دهنده تلاش برای ایجاد ارتباط بهتر و ارتقاء فهم به مراحل بالاتری ، به منظور برانگیختن حس زیبایی شناسی و خلاقیت هنری و پیوند آگاهانه میان هنر مصور سازی و نگارگری با متون تاریخی و نوشتارهای عهد ساسانی بوده است . این مکتب حتی در ادوار نخست اسلامی به عنوان سستی ایرانی بوسیله کاتبان و مترجمان متون ادبی، تاریخی و جغرافیایی استمرار داشته است و علی رغم برداشت های تنگ نظرانه منبعت از تصورات شرک آمیز عصر جاهلی اعراب در باره صورتگری کما بیش توانسته است که در معماری ، منابع ادبی ، جغرافیایی و تاریخی اثر گذاری کند.

منابع

- آینه‌وند، صادق (۱۳۷۷)، *علم تاریخ در گستره‌ی تمدن اسلامی*، مجلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- ابن المقفع، عبدالله (۱۴۰۹ / ۱۹۸۹)، *آثار ابن المقفع*، دارالکتب العلمیه، البعثة الأولى، بیروت - لبنان.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۷۶)، *سفرنامه ابن حوقل «ایران در صورة الأرض»* ترجمه: جعفر شعار ، انتشارات: امیرکبیر ، تهران .
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، *اسطوره آفرینش آیین مانی*، انتشارات فکر روز، چاپ اول، تهران.
- اشرفی، جهانگیر و شیرزاد آهودشتی (۱۳۸۸)، *تاریخ هنر ایران*، ج ۲، نشر آرون، تهران.
- اشرفی، م. م (۱۳۶۷)، *همگامی نقاشی با ادبیات در ایران*، ترجمه روبین پاکباز، نشر نگاه، تهران.

- اصطخری، ابوالسحق ابراهیم (۱۳۶۸)، **مسالك و ممالک**، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم.
- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۶۷)، **سنی الملوك الأرض و الأنبياء (تاریخ پیامبران و شاهان)** ترجمه: دکتر جعفر شعار، نشر امیر کبیر، چاپ اول، تهران.
- او مستد. ا. ت (۱۳۷۲)، **تاریخ هخامنشیان**، ترجمه دکتر محمد مقدم، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، تهران.
- بهرامی، روح الله (۱۳۸۹)، "گفتمان انتقادی در تاریخ‌نگاری مسعودی"، **تاریخ‌نگاری در اسلام**، به اهتمام: حسن حضرتی، قم، بوستان کتاب.
- پاکباز، روبین (۱۳۷۹)، **نقاشی ایران از دیروز تا امروز**، تهران، نشر زرین و سیمین.
- پوپ، آرتور اوپام (۱۳۷۸)، **تاریخ هنر ایران در دوره باستان** ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
- تاریخ کمبریج (۱۳۶۸)، جلد سوم، قسمت اول، پژوهش دانشگاه کمبریج گردآورنده: جی. آ. بویل، ترجمه، حسن انوشه، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران.
- رابینسون، پ، و (۱۳۷۶)، **هنر نگارگری ایران**، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات مولی.
- رهنورد، زهرا (۱۳۷۶)، **تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی**، انتشارات سمت، تهران.
- شریف زاده، مجید المجید (۱۳۸۳)، **تاریخ نگارگری**، موسسه فرهنگی هنری کمال، با همکاری موسسه فرهنگی خوش نما، تهران.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۸)، **حماسه سرایی در ایران**، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹)، **شاهنامه**، جلد پنجم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ک. س. لمبتون و دیگران (۱۳۶۱)... **تاریخ‌نگاری در ایران**، ترجمه و تدوین: یعقوب آژند، نشر گستره، چاپ اول، تهران.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۸)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ ششم، تهران.
- کمره‌ای، محمدرضا (بی تا)، **تاریخ هنر نقاشی در ایران**، نشر مشق هنر، تهران.

- گردیزی ، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۶۳)، تاریخ گردیزی یا زین الاخبار، به تصحیح و تحشیه و تعلیق: عبدالحی حبیبی، ناشر دنیای کتاب، چاپ دوم.
- مؤلف نامعلوم (بی تا)، مجمل التواریخ و القصص، به تصحیح ملک الشعرا بهار، به همت محمد رمضانی، نشر کلاله خاور، چاپ دوم، تهران.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۹)، تاریخ و فرهنگ ایران (در دوره انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی)، انتشارات طوس، چاپ اول.
- (۱۳۷۴)، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، انتشارات طوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
- ۲۵- مسعودی ، علی بن حسین (بی تا) ، التنبیه و الاشراف، دارصادر، بیروت - لبنان.
- (۱۹۸۵)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، شرحه و قدم له: الدكتور مفید محمد ممیحه، دار لکتب العلمیه، بیروت - لبنان، الطبعة الادلی.
- ناصح، ناطق (۱۳۶۹)، بحشی درباره زندگی مانی و پیام او، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، تهران.
- ویدن گرن، گئو (۱۳۷۶)؛ مانی و تعلیمات او، ترجمه: نزهت صفای اصفهانی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران.
- ه. آ. ر. گیب و دیگران (۱۳۶۱) تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه و تدوین: یعقوب آژند، نشر گستره، چاپ اول، تهران.